



آموزش معکوس در راستای یادگیری بهتر و سریعتر

نام درس: **دنای ادیب** نام دبیر: **غزاله صادق زاده**

مبحث: **غزل در راه زندگانی**

مقطع: **دبستان** پایه: **چهارم - پنجم - ششم**





در راه زندگانی

جوانی شمع ره کردم که جویم زندگانی را
کنون با بار پیری آرزومندم که برگردم
به یاد یار دیرین کاروان گم کرده را مانم
بهاری بود و ما را هم شبابی و شکر خوابی
چه بیداری تلخی بود از خواب خوش مستی
سخن با من نمی گوئی الا ای همزبان دل
نسیم زلف جانان کو که چون برگ خزان دیده
به چشم آسمانی گردشی داری بلای جان
نمیری شهریار از شعر شیرین روان گفتن

نجستم زندگانی را و گم کردم جوانی را
به دنبال جوانی کوره راه زندگانی را
که شب در خواب بیند همراهان کاروانی را
چه غفلت داشتیم ای گل شبیخون جوانی را
که در کامم به زهر آلود شهد شادمانی را
خدایا با که گویم شکوه ی بی همزبانی را
به پای سرو خود دارم هوای جانفشانی را
خدا را بر مگردان این بلای آسمانی را
که از آب بقا جویند عمر جاودانی را





شرح واژگان و دشواری ها

کنون: اکنون	نجستم: پیدا نکردم	جویم: پیدا کنم
کاروان گم کرده را مانم: شبیه کسی هستم که کاروانش را گم کرده است	شباب: جوانی	کوره راه: راه پر پیچ و خم
شکر خواب: خواب شیرین	کام: دهان-آرزو	همرهان: هم راهان
زهر: سم	شهد: عسل- شیرینی	شبیخون: حمله کردن در شب
غفلت: بی خبری	شکوه: گله و شکایت	آلود: آلوده کرد
سرو: محبوب قذبلند	آب بقا: آب حیات- چشمه ای خیالی که هر کس از آن بنوشد پیر نمی شود	الا: ای
		جان فشانی: جان فدا کردن



درک مطلب

۱- استاد شهریار در این غزل حسرت چه چیزی را می خورد؟

۲- استاد شهریار در بیت آخر شعرش را به چه چیزی تشبیه می کند؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>